



مجله رشد آموزش شیمی در راستای گسترش فضای نقد و ایجاد زمینه برای طرح پیشنهادهای سازنده شما خواننده گرامی، بخش تازه‌ای با عنوان «نامه‌های رسیده» را در مجله در نظر گرفته است. در این بخش افزون بر ایجاد فرصتی برای بیان دیدگاه‌های شما در مورد ساختار و محتوای مجله، از نقد مقاله‌های چاپ شده در مجله نیز به گرمی استقبال می‌کنیم. امید است این اقدام، ما را در بهبود کمی و کیفی محتوای مجله یاری کند.

### نامه سعید رستگار اسکویی، معلم شیمی منطقه خواجه آذربایجان شرقی

با سلام، انتشار «یکصد» و «یکصد و یکمین» شماره مجله رشد شیمی را تبریک می‌گویم. من یکی از مشترکان و مشتری‌های دائمی مجله رشد شیمی هستم و آرشیوی از مجله را در کتابخانه‌ام گردآوری کرده‌ام. در شماره‌های اخیر مجله و به‌ویژه در یکصد و یکمین مجله، با تقاضاهای مکرر متولیان مجله مواجه شدم مبنی بر، درخواست همکاری بیشتر دبیران در تولید مطلب برای مجله و گلایه از دبیران که مشارکت کمی در این امر دارند. در این زمینه چند نکته به نظر من می‌رسد که یکی دو سالی بود می‌خواستم به اطلاع شما برسانم اما احساس می‌کردم گوش شنوایی نیست. وقتی در قسمت‌های مختلف مجله ۱۰۱ دیدم خیلی

از دبیران گله دارید، دیدم فرصت مناسبی است تا این موارد را طرح کنم.

برای اینکه مجلات رشد (تمام مجلات تخصصی رشد) بین دبیران، مخاطب پیدا کند، باید در خدمت دبیرخانه‌ها باشند. در آموزش و پرورش کنونی، تألیف کتاب بر عهده یک سازمان است، ضمن خدمت در دست مرکزی دیگر، آموزش متولی دیگری دارد و از همه مهم‌تر، امتحانات با آن حساسیت‌های بی‌موردش در انحصار مرکزی دیگر. در سیستمی که متولیان سه رأس مهم آموزش (محتوا، معلم و دانش‌آموز) ارتباط نزدیک با هم ندارند و هر کسی ساز خود را می‌زند، مجلات رشد هم به دست مؤلفان کتب درسی می‌افتد که هیچ انتظاری از ایشان نمی‌رود که نقدهای جدی و چالش‌های اساسی آموزش دروس مختلف که دبیران روزانه با آنها دست به گریبان هستند در تنظیم مطالب «مجلات‌شان» جایی داشته باشد. در تازه‌ترین اقدام، مسئولان دبیرخانه‌ها به عضویت شوراهای برنامه‌ریزی تألیف درآمده‌اند. اما آیا مشارکت دبیران در همین



سطح برای تألیف کتاب‌های درسی کافی است؟ فکر نمی‌کنید اگر مدیریت بخش ثابت و حجم مشخصی از مجلات رشد بر عهده دبیرخانه‌های کشوری باشد، مخاطبان مجلات بیشتر می‌شود؟ در شماره‌هایی از مجله رشد شیمی، به وضوح مشخص است که مجله رشد شیمی را بهتر است «مجله رشد سرکار خانم سالارکیا» نام‌گذاری کنیم. همین بحث را خانم ماندانا فتوحی هم به نوعی مطرح کرده است. وقتی من روی مقاله‌ای هفته‌ها کار می‌کنم و آن را برای مجله می‌فرستم، با بی‌مهری مواجه می‌شوم.

جدیدالتألیف را برگزار کرده‌ایم؟ آیا باید همه این کارها را خود معلمان انجام دهند؟ آیا در کشورهای دیگر هم مانند کشور ما، معلم به امان خدا رها می‌شود؟ یا معلمان را در بدو خدمت طوری آموزش می‌دهند تا سال‌ها نیاز به بازآموزی نداشته باشند؟! کمی هم احساس مسئولیت کنیم و از خود سؤال که وقتی معلم، مجله را نمی‌خواند چه علت‌هایی دارد؟ روی علت‌ها کار کنیم نه این‌که از معلول شاکی شویم.

تا اینجا اشکالی ندارد. اما وقتی مجله به دست من می‌رسد و آن را تورق می‌کنم می‌بینم واقعاً سطح مطالبی که در مجله چاپ شده خدا و کیلی اصلاً در حد و اندازه مطلب ارسالی من نیست. این است که من هم در اولین بازخورد، تصمیم می‌گیرم دیگر مطلبی نفرستم و ذهنیتی منفی از مجله ایجاد می‌شود. حالا شما هم در سرمقاله، پشت جلد و... برای ارسال مقاله التماس کنید و از همکاران گله. چون مسئول گروه‌های آموزشی یکی از استان‌ها و از قضا مسئول توزیع مجلات در استان، خود من هستم و از خوانندگان ثابت مجله، به این موضوعات قاعدتاً حساس‌تر هستم و از سوی دیگر چون مدتی نیز با سازمان پژوهش در ارتباط بوده‌ام با حساسیت‌ها و مشکلات کار شما تا حدودی آشنا هستم. اما قبول کنیم که در شرایط کنونی می‌توان با اندکی تفکر و تغییر رویکرد در نحوه مدیریت مجله رشد شیمی، حداقل مخاطبان مجله را تا حدودی افزایش داد. زیاد هم از معلمان گلایه‌مند نباشیم. این سؤال را هم بپرسیم که ما برای معلمان مان چه کرده‌ایم؟ کدام دوره‌های مفید آموزش روش تدریس را طراحی و اجرا کرده‌ایم؟ کجا به معلم روان‌شناسی یاد داده‌ایم؟ کی او را با اصول ارزشیابی آشنا کرده‌ایم؟ با چه کیفیتی دوره‌های بازآموزی کتاب‌های

### توضیح سردبیر چگونه معلمان را به همکاری با مجله دعوت کنیم؟

طی سال‌های گذشته، بارها، چه از طریق گفت‌وگوی رودررو در جمع معلمان و چه از راه تماس تلفنی یا یادداشت‌های کوتاه و بلند عادی یا الکترونیکی، همواره در جریان دیدگاه‌های ارزشمند و پیشنهاد‌های سازنده، و بعضاً، انتقادی خوانندگان ارجمند مجله، به‌ویژه معلمان شیمی علاقه‌مند قرار گرفته‌ایم؛ نظرهایی گوناگون و گاهی هم متناقض. برخی، خواهان ارائه مطالبی علمی در سطحی بالاتر از محتوای کتاب‌های درسی هستند و برخی دیگر، محتوایی را طلب می‌کنند که ضمن دادن دانش کافی در

به هر حال این اقدام هم منتقدانی برای خود خواهد داشت. دسته‌بندی مجله، خود راهنمایی برای علاقه‌مندان به همکاری با مجله است. بخش‌هایی همچون آموزش شیمی در جهان امروز، شیمی در بستر تاریخ و آموزش با آزمایش از جمله بخش‌هایی هستند که با بیشترین کم‌توجهی مواجه بوده‌اند و از جمله بخش‌هایی هستند که هنوز هم ترجمه‌های خوب مقاله‌های علمی معتبر برای آنها پذیرفته می‌شود در حالی که سیاست ما، پذیرش مقاله به صورت تألیفی بوده است؛ مقاله‌ای که حول یک محور و از مطالعه مقاله‌های علمی مختلف و روزآمد، تهیه شده باشد.

برای مخاطبان اصلی مجله، یعنی معلمان شیمی دوره متوسطه، کم شدن مخاطب یکی از مشکلات اصلی برخی مقاله‌های ارسال شده به دفتر مجله است. مجله، با توجه به ماهیت علمی - آموزشی خود از چاپ مقاله‌های پژوهشی، در حوزه‌های هم علمی و هم آموزشی معذور است و با توجه به محدودیت صفحه‌ها، ناگزیر به پذیرش مقاله‌های کوتاه، در حوزه‌های تعریف شده در فراخوان همکاری مجله است.

ضمن قدردانی از همه عزیزانی که به مجله خودشان با عشق و علاقه می‌نگرند، دعوت می‌کنیم برای بهبود کمی و کیفی ساختار و محتوا، ما را یاری دهند و از طریق تماس با نشانی [narshadi@email.com](mailto:narshadi@email.com) نظرات و خواسته‌های خود را به طور مستقیم با سردبیر مجله در میان بگذارند.

اندازه محتوای کتاب‌های درسی و نه بیشتر از آن، تنها به آنها در تدریس مفاهیم علمی موجود در کتاب‌ها کمک کند. برخی هم فارغ از این دو نگاه، نوشتارهایی برگرفته از منابع علمی نامعتبر داخلی یا خارجی برای ما می‌فرستند. در این میان، مطالبی که بارها در مجله به چاپ رسیده است یا حرف تازه‌ای برای مخاطبان مجله در بر ندارد، فراوان است. گاهی ده‌ها مقاله در طی یک فصل از سال دریافت می‌شود که تعداد اندکی از آنها، آن هم با اصلاح و بازنویسی مورد پذیرش قرار می‌گیرند. البته این موج در سال‌های ۸۷ تا ۸۹ دامنگیرتر بود. پس از آن با حذف امتیاز مقاله‌های علمی چاپ شده در مجلات از طرف وزارت متبوع، به ناگاه این موج فرو نشست و با سرعتی چشمگیر، ما ماندیم و چند علاقه‌مند دلسوز که از سال‌ها پیش، یار غار مجله بوده‌اند. اگرچه که طی دو سال گذشته، از همکاری افرادی علاقه‌مند به آموزش شیمی سود می‌بریم، هنوز هم تأمین نظر طیف گسترده مخاطبان مجله، کاری دشوار می‌نماید. برای مجله‌ای که به صورت فصلنامه، با حداکثر ۶۴ صفحه به چاپ می‌رسد تأمین محتوا بسیار سخت است. از این رو است که ناگزیر به سفارش مقاله، در راستای سیاست‌های سالانه مجله، به افرادی شناخته شده و برخی همکاران توانمند خود هستیم. برای مجله‌ای با ساختار چند بخشی، که برای چند بخش مهم آن، مقاله‌ای دریافت نمی‌کنیم، چنین کاری بی‌تردید بهتر از تعطیلی آن بخش است.

